

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: کریدل
نویسنده: پیه اسکوبار
برگردان: م. قربانی
۱۸ فبروری ۲۰۲۵

کنفرانس والدای و مواجهه با «مشکل امریکا» در غرب آسیا



در حالی که ترامپ با پروژه زمین‌خواری جهانی خود آشوب به پا می‌کند، گروهی در والدای گردهم آمدند تا نقشه واقعی و ملموس راه‌های سرزمینی جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی قرن حاضر را برای آینده جهان چندقطبی، ترسیم کنند.

مسکو – چهاردهمین کنفرانس خاورمیانه باشگاه والدای در مسکو، درست در بحبوحه برگزاری این کنفرانس مورد اصابت «بمب سنگرشکن» ژئوپلیتیکی قرار گرفت: اعلام تبدیل فلسطین به نوعی تقریح‌گاه و «کازینو ریویرای ترامپ در غزه» در آینده به وسیله خود ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا.

حتی پیش از این که خشم بین‌المللی سرریز شود، از جریان بریکس گرفته تا آسه‌آن، تا جهان عرب (که آنرا نکبت-۲ می‌نامد)، حتی عربستان سعودی، دوست ترامپ، و متحدان اصلی امریکا در اروپا، اکثر دانشمندان و دانشگاهیان در والدای را نیز در بهت و سردرگمی فرو برد.

در این میان دو استثنای بارز وجود دارند، یکی پروفیسور محمد مرندی استاد دانشگاه تهران، و دیگری دیپلمات سابق بریتانیایی، الستر کروک، دو تحلیلگر دقیق و ظریف در غرب آسیا هستند که پیوسته به این موضوع پرداخته اند. هر دو مدت‌ها استدلال کرده اند که وقتی امپراتوری امریکا مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند، بسیار ظالم‌تر و خطرناک‌تر می‌شود.

مردنی ترمپ را «هدیه» ای برای افول جهانی امریکا می‌داند. کروک، به نوبه خود، می‌پرسد که آیا بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر راست‌گرای افراطی اسرائیل، ترمپ را واقعاً در باتلاقی گرفتار کرده است – یا این‌که ممکن است به عکس باشد. اکنون به نظر می‌رسد ترمپ ناتانیا هو را – که اساساً از آن بیزار است – دقیقاً در همان جایی قرار داده است که می‌خواهد: دین خود را ادا می‌کند.

ترمپ وعده‌های بزرگ زیادی داد که نتانیا هو می‌تواند آن‌ها را به عنوان یک موفقیت بزرگ به جنگ‌افروزان تل ابیب که دولتش را تشکیل می‌دهند، بفروشد. بنابراین ائتلاف او -فعالاً- پابرجا خواهد ماند. اما، اسرائیل در قبال آن باید همچنان مراحل بعدی پروژه آتش‌بس مطرود را دنبال کند. و این در تئوری منجر به پایان جنگ خواهد شد. نتانیا هو خواهان جنگی بی‌پایان، گسترده و نیز الحاق نامحدود خاک به سرزمین اسرائیل (Eretz Israel) است. این موضوع، تا حد زیادی، یک معامله نهایی نشده است.

به این ترتیب به نظر می‌رسد، ترمپ تراژیدی نسل‌کشی و پاکسازی قومی در فاجعه غزه را به یک معامله ملکی و مستغلاتی مبتدل در یک مکان و «موقعیت فوق‌العاده» تقلیل داده و آن را عادی‌سازی می‌کند. تأثیر مجموعه اظهارات او مانند «امریکا نوار غزه را تسخیر خواهد کرد»، «ما مالک آن خواهیم شد»، و «... آن زمین‌ها را مسطح و صاف می‌کنیم»، نه تنها امریکا را در معرض ضمیمه‌سازی غیرقانونی و تکان دهنده خارجی قرار می‌دهد، بلکه کاربرد استعاره «دیگر فلسطینی‌ها وجود ندارند» به طور شرم‌آوری یک نمونه شدیداً تحریک‌آمیز و آزار دهنده است.

اما این قضیه آن‌طور که اتاق‌های فکر ایالات متحده در همه جا تعریف می‌کنند، فراتر از یک «حمایت محض» است. این ادامه و گسترش طبیعی تلاش برای خرید گرینلند، الحاق کانادا (در هر دو مورد یعنی افزایش پایگاه منبع امریکا)، تصرف کانال پاناما، و تغییر نام خلیج مکزیکو به خلیج امریکا است.

اصل موضوع تغییر صورت مسأله و روایت غالب به جای پرداختن به تهدید واقعی علیه امپراتوری است: مشارکت ستراتیژیک روسیه و چین.

در اینجا، ریویزای جدید غزه که بر روی هر می از جملیه‌ها ساخته شده است، نه تنها از سوی نسل‌کش‌ها در تل ابیب همراه با اهداءکنندگان میلیاردی ترمپ، بلکه از طرف بخش مهمی از لابی‌های اسرائیل در امریکا مورد تأیید قرار گرفته است.

به گفته خودی‌های نیویورک، چشم‌انداز ترمپ از ایده دامادش جرد کوشنر، که کمتر از یک سال پیش درباره املاک و مستغلات طلایی غزه صحبت می‌کرد، گرفته شده است. کوشنر که اکنون در دور دوم ریاست جمهوری ترمپ در پشت پرده عمل می‌کند، خطرناک‌تر است: (به ویژه) وقتی صحبت از اشغال احتمالی نوار غزه از سوی ایالات متحده در آینده می‌شود، او بیش‌ترین تأثیر را بر رئیس‌جمهور ایالات متحده دارد.

در حال حاضر ما با نمایش واقعی مرام اخراج کن – بساز – بفروش سروکار داریم که برای لاینحل‌ترین مشکل در غرب آسیا اعمال می‌شود. مردنی این‌را مشکل امریکا و اسرائیل می‌نامد. طاها او جان در مورد انقره آن‌را «نظم اسرائیل‌محور» و همچنین «مشکل امریکا» توصیف می‌کند.

زندگی در دوران «تغییر رژیم جهانی»

البته بحث در (کنفرانس) والادای بمب خبری ترمپ را تعمیم داد. او جان بر «آزمون فشار عظیم» در غرب آسیا تمرکز کرد – از نسل‌کشی در غزه گرفته تا «اسد باید برود» و گسترش آن به کت و شلواری‌های القاعده حاکم بر دمشق. وی

هشدار می‌دهد که هرچومرج جهانی ممکن است باعث ایجاد جنگ‌های جدید شود: ما اکنون در یک فرآیند «تغییر رژیم جهانی» هستیم، زمانی که «بی‌ثباتی پایدار به پایان رسیده است.»

حضور فلسطینی‌ها از طریق احمد مجدلانی وزیر توسعه اجتماعی سازمان آزادیبخش فلسطین – ساف، واقعاً دلگرم کننده نبود. او صحبت‌های معمول مانند «مشکل عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل با پس‌زمینه الحاق کرانه باختری» را مطرح کرد، در حالی که «سایر کشورهای مسلمان فقط از حاشیه تماشاگرند.» اصل موضوع تغییر صورت مسأله و روایت غالب به جای پرداختن به تهدید واقعی علیه امپراتوری است: مشارکت ستراتیژیک روسیه و چین.

مجدلانی این سؤال را مطرح کرد که آیا «بریکس می‌تواند به عنوان یک موازنه مؤثر» در برابر «مشکل امریکا» که از سوی اوجان تعریف شده است، اثربخش باشد. اما در مورد موضوع پر پیچ‌وخم وحدت فلسطین، او هیچ چیز جدیدی ارائه نکرد و به خرده‌گیری از ناممکن بودن «توافق ابراهیم بدون مردم فلسطین» پرداخت. وینالی نائومکین، رئیس مؤسسه شرق‌شناسی روسیه با همکاری واسیلی کوزنتسوف، گزارشی عالی از سوریه تهیه و منتشر کردند.

با این‌که آنان تأکید می‌کنند سقوط بشار اسد، رئیس‌جمهور سابق سوریه، «پنجره‌ای از فرصت‌ها» را برای اسرائیل، ترکیه و پادشاهی‌های خلیج فارس گشوده است، اما تفاوت‌های ظریفی را مشخص می‌نمایند. اسرائیل واقعاً چه می‌خواهد؟ «ایجاد کنترل مستقیم بر برخی سرزمین‌ها (دقیقاً کدام؟) یا ایجاد یک منطقه حایل گسترده؟»

در مورد ترکیه، «منافع انقره برای تحمیل شکست به کردها و احتمالاً منطقه حایل در امتداد مرز سوریه و ترکیه قابل درک است.» اما آنچه مشخص نیست «میزان تعهد [امریکا] به سرمایه‌گذاری برای کردها» در دوران ترمپ است. در مورد پادشاهی‌های خلیج فارس، «آن‌ها موقعیت‌های خود را در درجه نخست با استفاده از اهرم اقتصادی تقویت خواهند کرد.» با این‌حال، «منافع کشورهای مختلف شورای همکاری خلیج فارس متفاوت است و هم‌سوئی آن‌ها همیشه مشخص نیست.»

در مورد ایران، نائومکین و کورنتسوف به طور واقع بینانه‌ای خاطرنشان می‌کنند که اگر ساختار جدید و افراطی سابق سوریه «نتواند جامعه را تحکیم کند» – و این یک احتمال بسیار قوی است – «ایران ممکن است راه دیگری برای بازگرداندن نفوذ خود داشته باشد.»

از نظر نائومکین، پایگاه‌های روسیه در سوریه «باید باقی بمانند» – موضوعی که اتفاقاً منبع بحث‌های شدید در محافل قدرت مسکو است. او این موضوع را بیش‌تر به این دلیل مطرح می‌کند که روسیه «می‌تواند طرح‌های توسعه‌طلبانه برخی از گروه‌های ترکیه در شمال سوریه را متعادل کند.»

کریدور- شیفگی

اگرچه شراکت ستراتیژیک روسیه و ایران که اخیراً امضاء شده است به طور خاص در والدای مورد بحث قرار نگرفت، اما مرنندی خاطرنشان کرد که «ایران در مورد آنچه که باید ساخته شود بسیار سریع پیش می‌رود، زیرا این راه هند را از نظر اقتصادی بسیار نزدیک‌تر می‌کند.»

اصل موضوع توافق روسیه و ایران نظامی نیست: این توافق ژئواکونومیک است و بر کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب (اینستک)، پروژه کلیدی اتصال اورآسیا/بریکس، متمرکز است.

این کریدور عملاً شتاب دهنده تجارت بین اعضای ارشد بریکس، روسیه، ایران و هند است که ناگزیرند تسویه حساب‌ها را به ارزهای خودی افزایش دهند: این دقیقاً همان مکانیسمی است که ترمپ را – اشتبهاً – به «متهم کردن» بریکس به تلاش برای ایجاد واحد ارزی خود سوق داد. روسیه و ایران که هر دو بشدت تحت تحریم هستند، اکنون بشدت به روبل و ریال مبادله می‌کنند.

در جبهه گسترده‌تر ژئواکونومیک، احتمالاً پرشورترین نظرات در والدای از سوی آلچین آقاجانف، مدیر شبکه بین‌المللی سیاست و امنیت باکو ارائه شد. هوایی تازه از قفقاز جنوبی در مخالفت شدید با طوفان‌های ژئوپلیتیکی ناگوار که غرب آسیا را تهدید می‌کرد، وزید.

آقاجانف بر حاکمیت آذربایجان – علیه هژمون – تأکید ورزید و در عین حال «آرزوهای ژئو-ستراتژییک غرب» را تصدیق کرد. وی آذربایجان را چهارراه کریدورهای حمل‌ونقل توصیف کرد. حداقل ۱۳ کریدور، که مشوق او برای نوشتن مقاله کریدور-شیفتگی بود. در طول تاریخ، قفقاز جنوبی پیوسته یک مرکز ژئواکونومیک در اورآسیا بوده است. کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی اروپا-قفقاز-آسیا (تراسکا) تا کریدور میانی چین، ترانس کاسپین، و کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب (اینستک)، را دربر می‌گیرد، بدون این‌که وارد موضوع کریدور بسیار بحث‌برانگیز زنگزور – مورد حمایت غرب – که باید از ۴۰ کیلومتری خاک ارمنستان در مرز ایران عبور کند، بشویم. زنگزور به شاخه‌های جاده ابریشم جدید از سین کیانگ و آسیای مرکزی به ترکیه و همچنین به بحیره کاسپین متصل خواهد شد.

آقاجانف اصرار داشت که در مورد زنگزور، آذربایجان هیچ قصدی برای ضمیمه کردن خاک ارمنه ندارد. باکو همچنین می‌خواهد عملیات خود را از طریق مسیر ایران-ارمنستان به ایران انجام دهد. موضع تهران این است که تا زمانی که الحاقی وجود نداشته باشد – در این مورد گزینه بهتر زیرزمینی است – کریدور باید ادامه یابد. آقاجانف با اشاره به ارتباط جمهوری آذربایجان و ایران از رود ارس گفت: «ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید [ایران] حامی سرسخت آن بود.»

آقاجانف همچنین تأکید کرد که به همان اندازه که آذربایجان «همپیمان ترکیه و پاکستان» است، باید در مورد ایران نیز که حداقل ۱۳ میلیون آذری در آن زندگی می‌کنند، صدق کند.

آقاجانف روسیه را یک «شریک ستراتیژیک طبیعی» تعریف می‌کند. وی همچنین از کریدور شمال، مسیر بحیره شمالی تمجید کرد: «کوتاه‌ترین راه از نیویورک به چین از طریق مورمانسک، و کوتاه‌ترین راه از برزیل به چین از طریق سنت پترزبورگ است.»

۷ فبروری ۲۰۲۵